

غزه: اثبات دولوس اسپشالیس / منس ریا برای نسل‌کشی

حتی سرسخت‌ترین مدافعان اسرائیل دیگر انکار نمی‌کنند که اقدامات این کشور در غزه به آستانه رفتار نسل‌کشانه – اکتوس ریوس طبق کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸ – رسیده است. خانواده‌های کامل نابود شده‌اند، زیرساخت‌های ضروری برای زندگی به‌طور عمدی تخریب شده‌اند، و نیازهای اولیه به‌طور سیستماتیک از بیش از دو میلیون نفر دریغ شده است. سؤال باقی‌مانده – سؤالی که نسل‌کشی را از «صرف» جنایات گسترده جدا می‌کند – مسئله نیت است: آیا اسرائیل این اقدامات را با نیت نابودی، به‌طور کامل یا جزئی، مردم فلسطین در غزه به‌عنوان یک گروه خاص انجام داده است؟

کنوانسیون نسل‌کشی نحوه اثبات این نیت (دولوس اسپشالیس) را تعریف نمی‌کند. اما رویه قضایی بین‌المللی این کار را انجام داده است. از محاکمات نورنبرگ تا دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا (ICTR) و احکام پیشگامانه دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ)، دادگاه‌ها به‌طور مداوم تشخیص داده‌اند که نیت می‌تواند استنباط شود. معیارها شامل موارد زیر است:

- ماهیت سیستماتیک خود اقدامات،
- اظهارات عمومی یا خصوصی مقامات دولتی، و
- تأیید از طریق ایدئولوژی، پروپاگاندا یا عدم پیشگیری از تحریک.

این مقاله این معیارها را به کار می‌گیرد. نشان می‌دهد که اقدامات اسرائیل در غزه تعریف حقوقی نسل‌کشی را برآورده می‌کند – نه تنها به دلیل گستردگی تخریب، بلکه از طریق یک خط ایدئولوژیک پیوسته: یک قرن لفاظی حذف‌گرایانه از رهبران اولیه صهیونیست تا وزرای کنونی کابینه. این یک انحراف اخیر نیست، بلکه اوج یک پروژه سیاسی بلندمدت است.

اسرائیل حداقل چهار مورد از پنج عمل ممنوعه ذکرشده در ماده دوم کنوانسیون نسل‌کشی را برآورده می‌کند و احتمالاً هر پنج مورد را از طریق تفسیر تله‌ولوژیک با حسن نیت برآورده می‌کند. اما این دهه‌ها تحریک بدون مجازات، عادی‌سازی نهادی ایدئولوژی برتری‌جویانه و تدوین سیاست نابودی – که به‌وضوح در نامه کنست در سال ۲۰۲۴ نشان داده شده – است که نیت را غیرقابل تردید می‌کند.

جرم نسل‌کشی نیازی به اعلام هدف توسط مرتکبان ندارد – اما در این مورد، آن‌ها این کار را کرده‌اند.

کنوانسیون نسل‌کشی: معیارهای حقوقی و پنج عمل ممنوعه

طبق ماده دوم کنوانسیون نسل‌کشی، نسل‌کشی به معنای:

هر یک از اعمال زیر که با نیت نابودی، به‌طور کامل یا جزئی، یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی به‌عنوان چنین انجام شود:

1. کشتن اعضای گروه؛
2. ایجاد آسیب جسمی یا روانی جدی به اعضای گروه؛

3. تحمیل عمدی شرایط زندگی به گروه که برای ایجاد نابودی فیزیکی آن، به طور کامل یا جزئی، طراحی شده باشد؛
4. اعمال اقداماتی با هدف جلوگیری از زادوولد در گروه؛
5. انتقال اجباری کودکان گروه به گروه دیگر.

اقدامات اسرائیل در غزه به وضوح **چهار مورد از پنج** معیار را بدون تردید برآورده می کند و احتمالاً مورد پنجم را از طریق تفسیر تلهولوژیک برآورده می کند.

اثبات دولوس اسپشالیس: سوابق حقوقی و استانداردهای اثبات

حقوق بین الملل چندین شکل از نیت نسل کشی را به رسمیت می شناسد:

- صریح: اظهارات یا اسنادی که به طور آشکار نیت نابودی را اعلام می کنند.
- استنباط شده: از اقدامات سیستماتیک هدفمند علیه یک گروه.
- تأیید شده: از طریق پروپاگاندا، ایدئولوژی یا بی عملی در برابر تحریک.

سوابق شامل موارد زیر است:

- آکایسو (ICTR): نیت می تواند از زمینه و اقدامات هماهنگ استنباط شود.
- کرسیتیچ (ICTY): قتل عام سربرنیتسا با وجود محدوده محدود به عنوان نسل کشی طبقه بندی شد.
- بوسنی علیه صربستان (ICJ): دولت ها موظف اند تحریک را پیشگیری و مجازات کنند؛ نیت می تواند از بی عملی مکرر استنباط شود.

اسرائیل نه تنها از پیشگیری تحریک ناکام مانده – بلکه آن را نهادی کرده و پاداش داده است.

دولوس اسپشالیس استنباط شده از اقدامات در مقایسه با هنجارهای تاریخی

نیت نسل کشی (دولوس اسپشالیس) می تواند از رفتار سیستماتیک استنباط شود، به ویژه هنگامی که به طور غالب یک جمعیت غیرنظامی حفاظت شده را هدف قرار می دهد. رفتار اسرائیل در غزه، حتی با در نظر گرفتن شرایط خود، به مراتب فراتر از هر چیزی است که در جنگ های مدرن دیده شده است. در هر حوزه – هدف گیری غیرنظامیان، تخریب زیرساخت ها، مقدار مواد منفجره و مدت محاصره – اقدامات اسرائیل به عنوان تاریخی افراطی و از نظر حقوقی محکوم برجسته هستند.

هدف گیری عمدی غیرنظامیان

حتی بر اساس ارزیابی های داخلی IDF که اخیراً به مطبوعات درز کرده، ۸۳٪ از کشته شدگان در غزه غیرنظامی بودند، و تقریباً نیمی از آن ها کودکان بودند. این ارقام نه تنها به دلیل مقیاسشان، بلکه به این دلیل که از خود IDF آمده اند – دستگاه نظامی ای که به خاطر طبقه بندی هر مرد در سن جنگیدن به عنوان «رزمنده» و ادعای معمول «ارتباط با حماس» بدون مدرک شناخته شده است، محکوم کننده است. این سطح از تلفات غیرنظامی همه درگیری های مدرن، از جمله افغانستان، عراق و سوریه را که در آن ها نسبت تلفات غیرنظامی به طور قابل توجهی کمتر بود، پشت سر می گذارد.

یکی از شاخص‌های آماری غیرقابل انکار هدف‌گیری عمدی، **قتل عام گسترده روزنامه‌نگاران** است. تا اواسط سال ۲۰۲۵، بیش از ۲۵۰ روزنامه‌نگار از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در غزه کشته شده‌اند. این بیش از هر درگیری دیگری در تاریخ ثبت شده، از جمله جنگ‌های جهانی و شورش‌های چندین دهه‌ای است. نرخ مرگ‌ومیر روزنامه‌نگاران در غزه بیش از ۱۳۰ نفر در سال است، در حالی که در اکثر جنگ‌ها این عدد به سختی از ارقام تکرر می‌رود. از نظر آماری، این یک امتیاز از ۹۶ را ایجاد می‌کند، که حوادث تصادفی را از نظر ریاضی بعید می‌سازد. در ترکیب با ممنوعیت کلی اسرائیل برای حضور رسانه‌های خارجی در غزه، این به شدت نشان می‌دهد که این قتل‌ها تصادفی نیستند، بلکه سیستماتیک‌اند – با هدف ساکت کردن شاهدان.

تخریب بی‌سابقه زیرساخت غیرنظامی

غزه امروز ویران‌شده‌ترین محیط شهری روی زمین است. تصاویر ماهواره‌ای و گزارش‌های میدانی از آژانس‌های سازمان ملل، سازمان‌های حقوق بشری و سازمان بهداشت جهانی تأیید می‌کنند که بیش از ۷۰٪ از همه ساختمان‌های غیرنظامی – خانه‌ها، آپارتمان‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس، مساجد، مکان‌های کشاورزی – تخریب شده یا غیرقابل سکونت شده‌اند. تنها هدف‌گیری بیمارستان‌ها هیچ مشابه مدرن ندارد: ده‌ها مرکز اصلی بارها مورد اصابت قرار گرفته‌اند، از جمله الشفا، القدس، ناصر و کمال عدوان، که بسیاری از آن‌ها کاملاً با خاک یکسان شده‌اند.

کارخانه‌های نمک‌زدایی آب، مراکز تصفیه فاضلاب، پل‌های خورشیدی، نانوایی‌ها و کاروان‌های آمبولانس نیز به‌طور سیستماتیک هدف قرار گرفته‌اند. در زمینه‌ای که غزه محصور شده و امکان وارد کردن منابع حیاتی را ندارد، این تخریب صرفاً تاکتیکی نیست – بلکه تحمیل عمدی شرایط زندگی طراحی شده برای نابودی یک مردم، به‌طور کامل یا جزئی را تشکیل می‌دهد.

ناظران بین‌المللی، از جمله سازمان ملل، WHO، IPC و WFP، همگی به‌طور صریح اعلام کرده‌اند که قحطی به‌عنوان سلاح جنگ استفاده می‌شود، نقض آشکار حقوق بشر و دوستانه بین‌المللی و نشانه‌ای بارز از رفتار نسل‌کشانه.

مقدار مواد منفجره فراتر از همه سوابق تاریخی

بین اکتبر ۲۰۲۳ و اواسط ۲۰۲۵، اسرائیل تخمیناً ۱۰۰,۰۰۰ تن مواد منفجره بر غزه ریخت. این تقریباً هفت برابر قدرت بمبی است که بر هیروشیما انداخته شد. و در حالی که بمباران‌های لندن، درسدن و توکیو سال‌ها طول کشید یا در جریان جنگ‌های تمام‌عیار رخ داد، تخریب غزه تنها در ۱۸ ماه و در یک منطقه محصور کوچک‌تر از یک سوم اندازه لندن رخ داد. هرگز در تاریخ مدرن یک مرکز جمعیتی با این تراکم – و این قدر محصور – در معرض این حجم از آتش قرار نگرفته است. حتی در طول بمباران‌های آتشین جنگ جهانی دوم، چنین مقیاس تخریبی بر یک انکلاو بدون امکان فرار برای غیرنظامیان وارد نشده بود.

طولانی‌ترین و کامل‌ترین محاصره در تاریخ مدرن و باستان

در طول تاریخ، محاصره‌ها معمولاً شامل حداقل یک خط حیاتی برای بقا بودند. در طی محاصره نازی لنینگراد (۱۹۴۱-۴۴)، اتحاد جماهیر شوروی شهر را از طریق دریاچه لادوگا تأمین کرد. در استالینگراد (۱۹۴۲-۴۳)، تدارکات و نیروهای کمکی تحت آتش از رود ولگا عبور کردند. حتی در ساریوو (۱۹۹۲-۹۶)، تونل‌های قاچاق و پل‌های هوایی سازمان ملل امکان جریان غذا، دارو و غیرنظامیان را فراهم کردند، هرچند با دشواری.

در مقابل، محاصره غزه کامل است. از سال ۲۰۰۷، اسرائیل تمام مرزها، فضای هوایی و دسترسی به دریا را کنترل کرده و ورود غذا، سوخت، دارو و مصالح ساختمانی را ممنوع کرده است. از اکتبر ۲۰۲۳، این محاصره به یک محاصره کامل تشدید شده است: بدون ورود یا خروج، بدون گذرگاه‌های مرزی فعال، بدون کریدور هوایی و بدون خط حیاتی بشردوستانه. حتی نانوائی‌ها، پنل‌های خورشیدی و اردوگاه‌های چادری به‌طور عمدی بمباران شده‌اند. در مارس ۲۰۲۵، دولت اسرائیل سیاست خود مبنی بر «ورود صفر» کالا، از جمله غذا و آب، را دوباره تأیید کرد.

غزه رکورد طولانی‌ترین محاصره مداوم در تاریخ مدرن (۱۸ سال) و کامل‌ترین محاصره‌ای که تاکنون مستند شده، چه باستانی و چه مدرن، را دارد. هرگز پیش از این یک جمعیت ۲.۳ میلیون نفر، که نیمی از آن‌ها کودکان هستند، از جهان جدا نشده، بی‌وقفه بمباران شده و از نیازهای اولیه زندگی برای این مدت محروم نشده بود.

نتیجه‌گیری: معجزه بقا

از نظر حقوقی، نیازی نیست که نیت نابودی یک گروه «به‌عنوان چنین» به‌صراحت بیان شود، زمانی که به‌وضوح در منطق کمپین نظامی نوشته شده است. اما در غزه، حتی این پرده نیز کنار رفته است: رفتار با الگو مطابقت دارد، و لفاظی هدف را تأیید می‌کند. این که هنوز کسی در غزه زنده است، نه تبرئه اسرائیل است – بلکه یک معجزه است. از نظر حقوقی، این معجزه نمی‌تواند از آنچه قانون قبلاً روشن کرده است منحرف کند: این نسل‌کشی است، از نظر رفتار و نیت.

یک قرن تحریک بدون مجازات: نقل‌قول‌های مرتب‌شده به ترتیب زمانی

همان‌طور که در آکایسو، بوسنی علیه صربستان و دیگر موارد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، نیت نسل‌کشی همچنین می‌تواند از اظهارات عمومی و خصوصی مقامات استنباط شود، به‌ویژه زمانی که این اظهارات محکوم نمی‌شوند، بلکه نهادی شده و پاداش داده می‌شوند. طبق کنوانسیون نسل‌کشی، دولت‌های امضاکننده نه تنها موظف‌اند از ارتکاب نسل‌کشی خودداری کنند، بلکه همچنین باید تحریک مستقیم و عمومی به نسل‌کشی را پیشگیری و مجازات کنند. اسرائیل خلاف این عمل کرده است.

تحریک به نسل‌کشی نه تنها معمول و عادی شده در گفتمان سیاسی اسرائیل است – بلکه به‌طور آشکار توسط وزیر ارشد، اعضای ائتلاف کنست، افسران نظامی و شخصیت‌های رسانه‌ای تأثیرگذار پخش می‌شود، اغلب با استفاده از زبان الهیاتی یا حذف‌گرایانه. این تصادفی نیست. این بازتاب‌دهنده یک فضای سیاسی است که در آن فراخوان‌ها به نابودی گسترده نه تنها تحمل می‌شوند، بلکه به‌عنوان مدارک برای پیشرفت سیاسی عمل می‌کنند.

نقل‌قول‌های زیر نه فوران‌های منفرد، بلکه یک الگوی ثابت و ایدئولوژیک از تحریک را نشان می‌دهند. دولت اسرائیل هیچ تلاشی برای مجازات یا حتی فاصله گرفتن از این اظهارات نکرده است – برعکس، بسیاری از افراد ذکرشده به موقعیت‌های کابینه ارتقا یافته‌اند، دوباره به کنست انتخاب شده‌اند یا به موقعیت‌های کلیدی دفاعی منصوب شده‌اند. این ناکامی سیستمیک در پیشگیری یا مجازات تحریک، در نقض ماده سوم (ج) کنوانسیون، صرفاً سهل‌انگاری نیست: این تأیید نهادی ایدئولوژی نسل‌کشی است.

«ما تلاش خواهیم کرد تا جمعیت فقیر را از طریق مرز منتقل کنیم با فراهم کردن شغل برای آن‌ها در کشورهای ترانزیتی، در حالی که هر گونه شغلی را در کشور خودمان از آن‌ها دریغ می‌کنیم.»
– تئودور هرتزل، ۱۲ ژوئن ۱۸۹۵، بنیان‌گذار صهیونیسم سیاسی، یادداشت نوشته‌شده در دفتر خاطرات

«ما باید عرب‌ها را اخراج کنیم و جای آن‌ها را بگیریم... اگر مجبور به استفاده از زور باشیم... زور در اختیار داریم. انتقال اجباری [فلسطینی‌ها]... می‌تواند چیزی را به ما بدهد که هرگز نداشته‌ایم.»
- دیوید بن‌گوریون، ۵ اکتبر ۱۹۳۷، اولین نخست‌وزیر اسرائیل، نامه نوشته‌شده به پسرش

«جایی برای هر دو ملت وجود ندارد... حتی یک روستا، حتی یک قبیله نباید باقی بماند. عرب‌ها باید بروند، اما به یک لحظه مناسب نیاز است، مانند جنگ.»
- یوسف ویتز، ۲۰ دسامبر ۱۹۴۰، مدیر بخش زمین صندوق ملی یهود، گزارش نوشته‌شده

«ما باید آن‌ها [روستاهای فلسطینی] را محو کنیم.»
- دیوید بن‌گوریون، ۱۹۴۸، اولین نخست‌وزیر اسرائیل، سخنرانی عمومی در طول ناکبا

اسرائیل کنوانسیون نسل‌کشی را در ۱۷ دسامبر ۱۹۴۹ امضا کرد و در ۹ مارس ۱۹۵۰ آن را تصویب کرد. ماده سوم کنوانسیون نه تنها خود نسل‌کشی، بلکه «تحریک مستقیم و عمومی به ارتکاب نسل‌کشی» را نیز جرم قابل مجازات می‌داند.

در سال ۱۹۷۷، اسرائیل قانون مجازات (اصلاحیه شماره ۳۹) را تصویب کرد که جرایم بین‌المللی را در قانون داخلی ادغام کرد. بخش‌های ۱۴۴ ب و ۱۴۴ ج تحریک به نژادپرستی و خشونت را جرم‌انگاری می‌کنند. در تئوری، تحریک به نسل‌کشی در این چارچوب حقوقی قرار می‌گیرد.

«فتح کل نوار غزه و نابودی تمام نیروهای رزمی و حامیان آن‌ها. غزه باید به درسدن تبدیل شود... غزه را حالا نابود کنید! همه ساکنان غزه باید نابود شوند.»
- موشه فیگلین، اوت ۲۰۱۴، عضو سابق کنست و رهبر راست افراطی، طرح منتشرشده و مصاحبه

«غزه را با خاک یکسان کنید. بدون رحم! این بار جایی برای رحم نیست! غزه باید با خاک یکسان شود، و برای هر کسی که کشته‌اند، هزار نفر را بکشید.»
- ریوینال گوتلیب، ۷ اکتبر ۲۰۲۳، عضو کنست اسرائیل (لیکود)، پست در X

«ناکبا حالا! ناکبایی که ناکبای ۱۹۴۸ را Overshadow کند. ما غزه را به تلی از ویرانه‌ها تبدیل خواهیم کرد.»
- آریل کالنر، ۸ اکتبر ۲۰۲۳، عضو کنست اسرائیل (لیکود)، پست در X

«من دستور محاصره کامل نوار غزه را داده‌ام. برق، غذا یا سوخت وجود نخواهد داشت. همه چیز بسته است. ما با حیوانات انسانی می‌جنگیم و بر این اساس عمل می‌کنیم. همه محدودیت‌ها را برداشته‌ام... همه چیز را نابود خواهیم کرد.»
- یوآو گالانت، ۹ اکتبر ۲۰۲۳، وزیر دفاع اسرائیل، سخنرانی عمومی

«کل جمعیت غیرنظامی در غزه دستور دارند فوراً آنجا را ترک کنند. آن‌ها حتی یک قطره آب یا یک باتری دریافت نخواهند کرد تا زمانی که جهان را ترک کنند. هیچ کلید برقی روشن نخواهد شد، هیچ شیر، هیچ کامیون سوختی.»
- اسرائیل کاتز، ۱۲ اکتبر ۲۰۲۳، وزیر انرژی اسرائیل، پست در X

«این یک ملت کامل است که مسئول است. این لفاظی درباره غیرنظامیانی که آگاه نیستند، درگیر نیستند، کاملاً درست نیست. در غزه هیچ بی‌گناهی وجود ندارد.»

– اسحاق هرتزوغ، ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳، رئیس‌جمهور اسرائیل، کنفرانس مطبوعاتی

«تنها چیزی که باید وارد غزه شود، صدها تن مواد منفجره از نیروی هوایی است، نه یک ذره کمک بشردوستانه.»

– ایتمار بن‌گویر، ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳، وزیر امنیت ملی اسرائیل، پست در X

«حالا زمان سلاح روز قیامت است. نه تخریب یک محله. خرد کردن و تسطیح غزه. غزه را حالا بسوزانید، نه کمتر! بدون گرسنگی و تشنگی، ما همکاری جذب نخواهیم کرد.»

– تالی گوتلیو، ۱۰ اکتبر ۲۰۲۳، عضو کنست اسرائیل (لیکود)، پست در X

«باید به خاطر بیاورید که عمالک چه بر سر شما آورد، کتاب مقدس مقدس ما می‌گوید. ما غزه را به یک جزیره متروکه تبدیل خواهیم کرد.»

– بنیامین نتانیاو، ۲۸ اکتبر ۲۰۲۳، نخست‌وزیر اسرائیل، سخنرانی تلویزیونی

«غزه را از روی زمین محو کنید. ما باید یاد عمالک را محو کنیم.»

– گالیت دیستل-اتباریان، ۱ نوامبر ۲۰۲۳، عضو سابق کنست و وزیر (لیکود)، پست در X

«ما حالا ناکبای غزه را به راه انداخته‌ایم. در غزه هیچ بی‌گناهی وجود ندارد.»

– آوی دیختر، ۱۱ نوامبر ۲۰۲۳، وزیر کشاورزی اسرائیل و رئیس سابق شین‌بت، مصاحبه تلویزیونی

«یکی از گزینه‌ها پرتاب بمب اتمی بر غزه است. من دعا می‌کنم و امیدوارم برای آن. در غزه هیچ غیرنظامی غیرمرتبطی وجود ندارد. شمال غزه زیباتر از همیشه است. منفجر کردن همه چیز شگفت‌انگیز است.»

– امیچای الیاو، ۵ نوامبر ۲۰۲۳، وزیر میراث اسرائیل، مصاحبه رادیویی و پست در X

«اپیدمی‌های شدید در نوار غزه ما را به پیروزی نزدیک‌تر خواهد کرد. غزه به مکانی تبدیل خواهد شد که هیچ انسانی نمی‌تواند در آن وجود داشته باشد.»

– گیورا آیلند، ۱۹ نوامبر ۲۰۲۳، سرلشکر بازنشسته IDF و رئیس سابق شورای امنیت ملی، مقاله نظر منتشرشده در یدیعوت آحارونوت

«من شخصاً به ویرانه‌های غزه افتخار می‌کنم، و اینکه هر کودکی، حتی ۸۰ سال بعد، به نوه‌هایش خواهد گفت که یهودیان چه کردند. ما باید راه‌هایی برای مردم غزه پیدا کنیم که دردناک‌تر از مرگ باشد.»

– مای گولان، ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳، وزیر برابری اجتماعی و پیشرفت زنان اسرائیل، سخنرانی در کنست و کنفرانس

«غزه را از روی زمین محو کنید... غزه باید سوزانده شود. حالا همه ما یک هدف مشترک داریم – محو کردن نوار غزه از روی زمین.»

– نیسیم واتوری، ۱۰ ژانویه ۲۰۲۴، معاون رئیس کنست (لیکود)، مصاحبه رادیویی

در ژانویه ۲۰۲۴، دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) اقدامات موقت قانونی الزام‌آور، از جمله پیشگیری و مجازات تحریک به نسل‌کشی، صادر کرد.

«هیچ راه‌حل میانه‌ای وجود ندارد... رفح، دیرالبلاح، نصیرات - نابودی کامل. «یاد عمالک را از زیر آسمان محو کن.» ممکن است گرسنگی دادن به ۲ میلیون نفر موجه و اخلاقی باشد. غزه به‌طور کامل نابود خواهد شد... آن‌ها به تعداد زیاد به کشورهای سوم خواهند رفت. حتی یک دانه گندم وارد غزه نخواهد شد.»
- بزلال اسموتریچ، ۲۹ آوریل ۲۰۲۴، وزیر دارایی اسرائیل، سخنرانی عمومی در رویداد میمون

«امروز ما بر حوثی‌ها طاعون تاریکی آوردیم... بعدی - طاعون نخست‌زادگان.»
- اسرائیل کاتز، ۲۴ اوت ۲۰۲۵، وزیر دفاع اسرائیل، پست در X

چارچوب پروپاگاندا: نفرت عادی‌شده، تلقین و ایدئولوژی حذف

در حقوق بین‌الملل، نیت نسل‌کشی (دولوس اسپشالیس) می‌تواند نه تنها از گستردگی و ماهیت سیستماتیک اقدامات انجام‌شده استنباط شود، بلکه از شواهد پشتیبان مانند پروپاگاندا، ایدئولوژی و عدم پیشگیری یا مجازات تحریک. این اصل در رویه قضایی به‌خوبی تثبیت شده است: از حکم آکایسو (ICTR)، که «نشر گسترده سخنان نفرت‌انگیز» را به‌عنوان مدرکی از نیت ذکر کرد، تا بوسنی علیه صربستان (ICJ)، که بی‌عملی مکرر دولتی در برابر تحریک شناخته‌شده، یافتن نیت نسل‌کشی را پشتیبانی کرد.

در اسرائیل، این شواهد پشتیبان حاشیه‌ای نیستند - بلکه مرکزی‌اند. شعار «مرگ بر اعراب» لفاظی حاشیه‌ای نیست. این یک شعار جنگی است که به‌طور گسترده تحمل شده و رسماً همراهی می‌شود، که هر ساله در راهپیمایی پرچم در اورشلیم تکرار می‌شود، رویدادی که توسط پلیس اسرائیل مجاز و محافظت می‌شود و در اورشلیم شرقی اشغالی برگزار می‌شود. به‌جای محکوم شدن، این سخنان در گفتمان عمومی عادی‌سازی شده‌اند - در حیاط مدارس، ورزشگاه‌های فوتبال و تجمعات ناسیونالیستی طنین‌انداز می‌شوند.

مهم‌تر از آن، ساختار ایدئولوژیک صهیونیسم، همان‌طور که در نهادهای دولتی اسرائیل عمل می‌کند، با فرضیات برتری جویانه اشباع شده است: اینکه فلسطینی‌ها یک تهدید جمعیتی، دشمن وجودی یا مانعی غیرانسانی برای حاکمیت یهودی هستند. این چارچوب ایدئولوژیک نهان نیست - به‌طور آشکار آموزش داده می‌شود، تقویت می‌شود و به‌عنوان سلاح استفاده می‌شود. مقامات برجسته اسرائیلی به‌طور معمول به فلسطینی‌ها به‌عنوان «حیوانات انسانی»، «عمالک» یا «حشرات» اشاره می‌کنند که باید «نابود شوند». این‌ها لغزش نیستند - بلکه تحریک‌های سیستماتیک و مجاز به خشونت نسل‌کشانه‌اند.

شهادت‌های متعدد از صهیونیست‌های سابق و افشاگران اسرائیلی تلقین را توصیف می‌کنند که از کودکی آغاز می‌شود، جایی که فلسطینی‌ها نه به‌عنوان همسایگان یا انسان‌هایی با حقوق، بلکه به‌عنوان مهاجمان خطرناک به تصویر کشیده می‌شوند. سربازان سابق IDF، مربیان و ناسیونالیست‌های سابق شهادت داده‌اند که در فرهنگ ترس، استحقاق و غیرانسانی‌سازی بزرگ شده‌اند، به آن‌ها آموخته شده که IDF برای محافظت از یهودیان در برابر نابودی وجود دارد، و دلسوزی برای فلسطینی‌ها نوعی خیانت است.

سازمان‌هایی مانند شکستن سکوت، همراه با روزنامه‌نگاران و سربازان سابق، گزارش می‌دهند که آموزش نظامی این ایده‌ها را تقویت می‌کند - زندگی فلسطینی را به‌عنوان غیرضروری به تصویر می‌کشد و جنایات جنگی را به‌عنوان تاکتیک‌های

مشروع معرفی می‌کند. استفاده از تصاویر الهیاتی («عمالک»، «انتقام کتاب مقدس»، «طاعون نخست‌زادگان») این ایدئولوژی را بیش از پیش در روایتی از نابودی مورد تأیید مذهبی جای می‌دهد.

همه این‌ها معیار شواهد پشتیبان برای نیت نسل‌کشی را که در رویه قضایی بین‌المللی تثبیت شده، برآورده می‌کند و احتمالاً از آن فراتر می‌رود. هنگامی که پروپاگاندا همه‌جا حاضر است، ایدئولوژی نهادی شده و تحریک نه مجازات می‌شود و نه محدود، زیرساخت ایدئولوژیک برای نسل‌کشی را تشکیل می‌دهد.

فراتر از همه استانداردهای اثباتی: نامه گنست به عنوان اعتراف مستقیم به سیاست

نامه ۳۱ دسامبر ۲۰۲۴ از اعضای کمیته امور خارجی و دفاع اسرائیل احتمالاً روشن‌ترین و صریح‌ترین سند سیاسی است که نیت نسل‌کشی را اثبات می‌کند، سندی که از زمان محاکمات نورنبرگ و کنفرانس وانسی توسط هیچ دولتی تولید نشده است. در حالی که نسل‌کشی‌های قبلی نیازمند استنباط نیت توسط دادستان‌ها از زبان کدگذاری شده یا برنامه‌ریزی غیرمستقیم بود، این نامه هیچ جای ابهامی باقی نمی‌گذارد: به‌طور آشکار خواستار آن است که IDF زیرساخت‌های انرژی، غذا و آب را نابود کند، محاصره‌های مرگبار را تحمیل کند و همه افرادی را که پرچم سفید نشان نمی‌دهند، حذف کند.

تاریخ: ۳۱.۱۲.۲۰۲۴

به: وزیر دفاع اسرائیل کاتز

موضوع: طرح عملیاتی در نوار غزه

جناب محترم،

ما، اعضای کمیته امور خارجی و دفاع، به شما می‌نویسیم تا درخواست کنیم که طرح عملیاتی برای جنگ در نوار غزه را با توجه به نتایج جدی تاکنون و چشم‌اندازهای ادامه آن بازنگری کنید. در ادامه توضیح می‌دهیم:

فعالیت عملیاتی در نوار غزه، همان‌طور که توسط وزیر دفاع قبلی در کمیته امور خارجی و دفاع حتی پیش از آغاز عملیات زمینی در ۲۷.۱۰.۲۳ به ما ارائه شد و از آن زمان در میدان اجرا شده است، اجازه دستیابی به اهداف جنگ تعریف‌شده توسط رهبری سیاسی را نمی‌دهد: فروپاشی ظرفیت‌های حکومتی و نظامی حماس. این اهداف تا به امروز محقق نشده‌اند، با وجود اینکه این منطقه کوچک است و دشمن ابزار یا ظرفیت‌های یک ارتش مدرن را ندارد.

همان‌طور که رئیس ستاد کل علناً اظهار داشت، IDF از طریق حملات هدفمند عمل می‌کند - روشی که فاقد مؤلفه اصلی در این نوع جنگ چریکی است: کنترل. کنترل مؤثر بر قلمرو و جمعیت تنها پایه برای پاکسازی پایگاه‌های دشمن از نوار غزه، برای دستیابی به تصمیم‌گیری و پیروزی است - و نه برای رکود و جنگ فرسایشی که در آن طرف اصلی که فرسوده می‌شود، اسرائیل است. به همین دلیل ما سربازانمان را بارها و بارها به محله‌ها و کوچه‌هایی می‌فرستیم که چندین بار فتح شده‌اند، مکان‌هایی که فرماندهی ارشد IDF اعلام کرد گردان‌های حماس منحل و نابود شده‌اند و از دشمن پاکسازی شده‌اند - اما در همان مکان‌ها ما بهای وحشتناک و غیرقابل‌تحملی را با خون می‌پردازیم.

از ۶.۱۰.۲۰۲۴، عملیات دیگری در شمال نوار غزه، در جنوب محور مفالسیم، آغاز شد که شامل محاصره و تخلیه جمعیت به سمت جنوب بود. همه ما امیدوار بودیم که این نشان‌دهنده آغاز اقدامات نظامی‌ای باشد که تغییر لازم را به ارمغان می‌آورد، اما به نظر می‌رسد که این اقدام به درستی اجرا نمی‌شود. یعنی، پس از محاصره و تخلیه بشردوستانه، IDF با کسانی که باقی مانده‌اند به عنوان دشمن رفتار نمی‌کند - همان‌طور که در حقوق بین‌الملل و در همه ارتش‌های غربی مرسوم است - و دوباره جان سربازان ما را با ورود به مناطق متراکم و ساخته‌شده به خطر می‌اندازد.

پس از محاصره و تخلیه جمعیت، دستورالعمل‌های IDF باید روشن باشد:

1. تخریب از راه دور تمام منابع انرژی - سوخت، تأسیسات خورشیدی، خطوط لوله، کابل‌ها، ژنراتورها و غیره.
2. تخریب تمام منابع غذایی - انبارها، آب، پمپ‌های آب و هر وسیله مرتبط دیگر.
3. حذف از راه دور هر کسی که در منطقه حرکت می‌کند و در طول روزهای محاصره مؤثر با پرچم سفید ظاهر نمی‌شود.

پس از این اقدامات و روزهای محاصره کسانی که باقی مانده‌اند، IDF باید به تدریج وارد شود تا پاکسازی کامل پایگاه‌های دشمن را انجام دهد. این باید در شمال نوار و به همین ترتیب در هر بخش دیگر انجام شود: محاصره، تخلیه جمعیت به یک منطقه بشردوستانه و محاصره مؤثر تا تسلیم یا حذف کامل دشمن. این‌گونه هر ارتشی عمل می‌کند، و نیروهای دفاعی اسرائیل نیز باید این‌گونه عمل کنند.

با وجود سؤالات و درخواست‌های مکرر در کمیته امور خارجی و دفاع، ما پاسخ‌های رضایت‌بخشی از نمایندگان IDF در کمیته دریافت نکرده‌ایم که چرا به شیوه مورد نیاز عمل نمی‌کنند، چرا شکست حماس به عنوان «وضعیت نهایی عملیاتی» جنگ تعریف می‌شود، و برنامه‌های آینده چیست. بنابراین، ما خواستار مداخله فوری شما برای ارائه پاسخ به این سؤالات و صدور دستورالعمل‌های مناسب به IDF هستیم تا به تصمیم‌گیری برسیم و از به خطر انداختن بی‌دلیل جان سربازانمان جلوگیری کنیم.

رونوشت:

- نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو - رئیس کمیته امور خارجی و دفاع MK یولی ادلشتاین

امضاکنندگان:

* **امیت هالوی**، لیکود، MK، کمیته امور خارجی و دفاع * **نیسیم واتوری**، لیکود، معاون رئیس کنست، کمیته امور خارجی و دفاع * **آریل کالندر**، لیکود، MK، کمیته امور خارجی و دفاع * **اوشر شکالیم**، صهیونیسم مذهبی، MK، کمیته امور خارجی و دفاع * **زوی سوکوت**، صهیونیسم مذهبی، MK، کمیته امور خارجی و دفاع * **اوهاد تال**، صهیونیسم مذهبی، MK، کمیته امور خارجی و دفاع * **لیمور سون هار-ملخ**، قدرت یهود، MK، کمیته امور خارجی و دفاع * **آواهام بزال**، قدرت یهود، MK، کمیته امور خارجی و دفاع

این دستورالعمل‌ها صرفاً تاکتیکی نیستند - آن‌ها نقشه‌ای برای نابودی عمدی یک جمعیت غیرنظامی را تشکیل می‌دهند و به این ترتیب **آستانه حقوقی** برای اثبات نیت نسل‌کشی تحت هر استاندارد موجود در حقوق کیفری بین‌المللی را پشت سر می‌گذارند. نویسندگان نه بازیگران سطح پایین و نه افراطیون حاشیه‌ای هستند؛ آن‌ها **قانون‌گذاران منتخب** هستند که

نقش‌هایی در سیاست‌گذاری امنیت ملی دارند. خواسته‌های آن‌ها **استعاری نیستند** – روش‌های خاص و متوالی برای نابودی جمعیت را ترسیم می‌کنند، که به صراحت به عنوان استراتژی دولتی فرموله شده است.

برخلاف مقامات نازی که اغلب برنامه‌ریزی نسل‌کشی را در اصطلاحات رمزآلود («راه‌حل نهایی») پنهان می‌کردند، این نامه به وضوح سخن می‌گوید. نیت، روش و توجیه را به صورت کتبی، تحت مهر رسمی دولت اسرائیل، ترسیم می‌کند. هیچ دادگاهی در تاریخ مدارک روشن‌تری را طلب نکرده است.

وجود چنین سندی امکان انکار باورپذیر را از بین می‌برد. آن چیزی که در غیر این صورت ممکن بود شواهد غیرمستقیم نسل‌کشی تلقی شود را به **شواهد مستقیم برنامه‌ریزی در سطح سیاست**، اجرا و توجیه ایدئولوژیک برای اقدامات نابودی تبدیل می‌کند. طبق حقوق بین‌الملل، این نامه باید به عنوان یک **تفنگ دودزا** در نظر گرفته شود – اعترافی صریح به **دولوس اسپشالیس**، که در بالاترین سطوح دولت تأیید شده است.

نتیجه‌گیری: نیت فراتر از شک معقول اثبات شده – وظیفه اقدام، نه فقط مشاهده

جرم نسل‌کشی طبق کنوانسیون ۱۹۴۸ نیازمند اقدامات ممنوعه (اکتوس ریوس) و نیت برای نابودی یک گروه حفاظت‌شده به‌طور کامل یا جزئی (دولوس اسپشالیس) است. همان‌طور که این تحلیل نشان داده است، رفتار اسرائیل در غزه تمام پنج دسته اقدامات ممنوعه را برآورده می‌کند، و نیت آن برای نابودی فلسطینی‌ها «به‌عنوان چنین» نه تنها از گستردگی و هدف‌گیری عملیات‌هایش قابل استنباط است – بلکه در لفاظی‌اش صریح، در نهادهایش سیستمیک و در سیاست‌هایش تدوین شده است.

شواهد – حقوقی، آماری، نظامی و ایدئولوژیک – آستانه بین‌المللی «فراتر از شک معقول» را برآورده می‌کند. آنچه در غزه در حال رخ دادن است، یک مورد مبهم یا مرزی نیست. این نسل‌کشی است.

همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در بوسنی علیه صربستان (۲۰۰۷) تأیید کرد، همه دولت‌ها یک وظیفه حقوقی مثبت برای پیشگیری از نسل‌کشی دارند به محض اینکه از یک خطر جدی آگاه شوند. این وظیفه به محکومیت دیپلماتیک یا تحریم‌های اقتصادی محدود نیست. در برابر شواهد قاطع، دولت‌ها موظف‌اند تمام اقدامات معقولاً در دسترس را برای متوقف کردن نسل‌کشی انجام دهند – از جمله، در صورت لزوم، اقدامات اجباری تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل. این شامل حداقل موارد زیر است:

- ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز غزه برای متوقف کردن بمباران‌های هوایی؛
- تسهیل کریدورهای بشردوستانه و تحویل کمک‌ها، از جمله با اسکورت نظامی در صورت لزوم؛
- تحریم و منزوی کردن مقامات اسرائیلی دخیل در کمپین؛
- تعلیق کمک‌های نظامی و اقتصادی به اسرائیل طبق تعهدات تجارت تسلیحات تحت حقوق بشردوستانه بین‌المللی؛
- حمایت از پیگردهای بین‌المللی افراد همدست.

عدم انجام این اقدامات، دولت‌ها را در معرض مسئولیت تحت حقوق بین‌الملل قرار می‌دهد. همان‌طور که در بوسنی علیه صربستان، دولتی که از پیشگیری یا مجازات نسل‌کشی ناکام بماند، ممکن است توسط ICJ مسئول شناخته شود و ملزم به

پرداخت غرامت شود. علاوه بر این، افراد - چه سران دولت، وزرا یا فرماندهان نظامی - ممکن است طبق مواد ۲۵ و ۲۸ اساسنامه رم به اتهام همدستی، تحریک یا مسئولیت فرماندهی مسئول کیفری شناخته شوند.

نسل‌کشی یک رویداد منفعل نیست. این یک سیاست است. و جهان نه تنها اسرائیل را تماشا می‌کند، بلکه هر دولتی را که آن را ممکن می‌سازد - با عمل یا بی‌عملی. سابقه حقوقی روشن است. هزینه‌های سیاسی همدستی در حال افزایش است. لحظه مداخله فردا نیست. حالا است.